

بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران

(مطالعه موردی مناطق ۵ و ۱۸ تهران)

عبدالرضا ادهمی^۱

الهام اکبرزاده^۲

چکیده:

یکی از مسائل روز جهان مسأله حفظ محیط زیست است. فاجعه زیست محیطی نه تنها آرامش و امنیت را از زندگی انسان می‌ریاید بلکه سلامتی و هستی را تهدید می‌کند. پژوهش حاضر با هدف شناخت میزان تأثیر عوامل فرهنگی بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی انجام گرفته است. چارچوب نظری تحقیق، نظریات دورکیم، وبر، پارسونز، گیدنز و ژرژتومه است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق پیمایش و تکنیک پرسشنامه بر روی ۴۰۰ نفر از افراد در دو منطقه ۵ و ۱۸ شهر تهران انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی و در قالب جداول توزیع فراوانی و در سطح آمار استنباطی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر انجام گرفته است. در این پژوهش براساس آزمون‌های انجام شده نتایج حاصله نشان داد که متغیرهای احساس مسئولیت، اخلاق اجتماعی، آموزش و ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط زیست و رفتارهای محیط زیستی مؤثر هستند اما با توجه به یافته‌های این تحقیق نشان داده شده که متغیر هنجارسازی بر حفظ محیط زیست تأثیری ندارد. در یک نتیجه کلی می‌توان گفت که فرهنگ عامل تعیین کننده رفتارهای افراد در یک جامعه است و رفتارهای زیست محیطی تک تک افراد نشأت گرفته از این عامل مهم می‌باشد.

کلیدواژه: فرهنگ، حفاظت محیط، محیط زیست.

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، گروه علوم اجتماعی، تهران، ایران adhamiab@yahoo.com

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی akbarzadeh@igmc.ir

مقدمه

طبیعت و محیط زیست موهبتی خداوندی است که از مجموعه موجودات، منابع و عوامل و شرایط هماهنگی که در اطراف هر موجود زنده وجود دارد و ادامه حیات به آن وابسته است به وجود می‌آید. محیط زیست محل زندگی و تأمین کننده اصلی ترین نیازهای انسان است و پدیده‌ای می‌باشد که هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌گردد اما متأسفانه انسان در دوران سلطه-اش بر این کره خاکی به استفاده بی‌رویه و بدون برنامه‌ریزی از منابع طبیعی، ایجاد آلودگی‌های خطرناک در خاک، آب و هوا و از بین بردن توان زیست آن، پرداخته است.

فرهنگ عامل اصلی و به معنای موتور توسعه‌پایدار و حفاظت از محیط زیست است. بهبود محیط زیست زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان با هم مرتبط باشند. لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق زیست محیطی در تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور می‌باشد. اخلاق زیست محیطی رفتار ایده آل بشر نسبت به محیط زندگی خود اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگی است. (ازدری، ۱۳۸۲، ۲۷-۲۸) مجموعه رفتارهای ضابطه‌مند در بستر فرهنگ موجب جهت دهی در ابعاد مختلف زندگی خواهد بود. به عبارت دیگر فرهنگ ریشه و ساختار اصلی توسعه همه جانبه است و زمانی می‌توان انتظار شادابی و پویایی را برای جامعه تصور نمود که این ساختار به صورت اصولی انجام یافته باشد.

متأسفانه غالب جمعیت کشور در زمینه فرهنگ زیست محیطی با چالش‌های متنابهی روبروست و وسعت دامنه، مقیاس و پیچیدگی آن بی‌سابقه است. فشار آلودگی‌های زیست محیطی در مرز بحرانی است و هنوز جامعه فرهنگی کشور در سطوح ادراک مفاهیم، روش شناسی‌های نوین و غیره تاکنون نتوانسته است آن طور که باید و شاید به صورت فرهنگ زیست محیطی و کاربردی در کشور جایگاهی پیدا نماید. با این‌که در اصل پنجاهم قانون اساسی، اهمیت حفظ محیط زیست بسیار زیبا و همه‌سو نگر نگارش و قوانین و مقررات دیگری هم به تبعیت از آن تهیه و تدوین و مصوب گردیده است اما حفظ محیط زیست تنها در شعار باقی مانده است، چراکه بدلیل خلاءهای آموزشی و آگاهی‌های زیست محیطی، نبود احساس مسئولیت در کل جامعه، عدم اخلاق اجتماعی مناسب و غیره، به طور خلاصه فقر فرهنگی ناشی از آن، آلودگی‌های زیست محیطی و کشور را به مرز بحرانی سوق داده است.

بیان مسأله

از مسائل روز جهان مسأله حفظ محیط زیست است. فاجعه زیست محیطی نه تنها آرامش و امنیت را از زندگی انسان می‌ریاید که موجودیت بشر را تهدید می‌کند، به همین دلیل در محافل علمی و سیاسی بحث زیست محیطی پر سر و صداترین و جدی‌ترین بحث روز است. (ولایی، ۱۳۸۴، ۲۴)

در پیگیری علل و عوامل آن دو عامل بیشتر جلب توجه می‌کنند یکی دیدگاه انسان متمدن نسبت به طبیعت، دیگری توسعه فن‌آوری است. بشر متمدن خود را مالک طبیعت دانسته و بر این باور است که انسان به عنوان اشرف مخلوقات حق هرگونه استفاده از طبیعت را داراست و بدون آن‌که در بازسازی و نگهداری آن مسؤولیتی داشته باشد از طرف دیگر با توسعه فن‌آوری بشر دستاوردهای عظیم و شگفت‌انگیزی به دست آورده در حالی که همین علل سازنده و دگرگون کننده زندگی بشر را در معرض نابودی قرار داده است. (ولایی، ۱۳۸۴، ۲۴)

اکنون مسائل زیست محیطی بقدری دامنه پیدا کرده‌اند که قلمرو آنها دیگر به مسائل فنی ختم نمی‌شود. امروزه مسائل زیست محیطی عمیقاً دارای مفهوم اجتماعی‌اند و در کل مسائل زیست محیطی ریشه فرهنگی دارند و به منظور پذیرش بافت‌های فرهنگی یک جامعه بایستی به صورت ساختاری با موضوع برخورد نمود. حفظ محیط زیست به مسائل زیادی ارتباط دارد که بزرگترین و مهمترین آن مسأله فرهنگ اجتماعی است. در مسأله محیط زیست رفتارهای نابهنجار در ارتباط با محیط زیست به علت ناآشنایی با فرهنگ شهرنشینی و عدم درک درست از اوضاع زیست محیطی حاکم بر جامعه و وضعیت اعتقادات فرهنگی مردم می‌باشد زیرا مردم فرهنگ استفاده از منابع طبیعی و امکانات زیست محیطی و فرهنگ زیستن همراه با همزیستی با طبیعت را نیاموخته‌اند و یا به درستی آن‌را درونی نکرده‌اند که این تحقیق سعی بر آن دارد که به چند جنبه از عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست بپردازد.

اساسی‌ترین وظیفه انسان امروزی در قبال همه داشته‌های طبیعی و ساخته‌های دست انسان، «مسئولیت‌پذیری» اوست. با کمی دقت می‌بینیم تا وقتی که انسان از طبیعت می‌ترسید و تا زمانی که طبیعت توانسته بود قدرت و اقتدار خود را حفظ کند، همه چیز روال معمول خود را طبق قانون طبیعت داشت. حتی قانون جنگل و طبیعت هم زیبا بود، چراکه چرخه‌ای بود

منظم که در آن هر از بین رفتنی، تولدی دوباره داشت. اما انسان با ورود خود به مدد هوش و استعدادش، نظم طبیعت و حرکت چرخه‌ای آن را برهم زد. (اسلام زاده، ۱۳۸۲، ۴۳)

مردم جامعه ما مقید به دین مبین اسلام هستند دینی که در مورد همه مسائل، فرامین و رهنمودهای خاص خود را دارد از جمله اخلاق زیست محیطی و اهمیت ویژه‌ای به عمران و آبادانی داده است.

بر طبق آیات قرآن، خداوند به انسان قدرت و امکانات لازم را داده و او را مکلف به عمران و آبادانی زمین نموده است در همین زمینه در سوره هود می‌خوانیم «او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و عمران و آبادانیش را به شما واگذاشت.» (هود، ۶۱) قرآن نمی‌گوید خداوند زمین را به شما تفویض کرده اشاره به این‌که وسایل از هر نظر آماده است اما شما باید با کار و کوشش خویش زمین را آباد سازید. (اصغری لمجانی، ۱۳۷۸، ۱۲۴)

یکی از دلایل عمده عدم مشارکت افراد در حفاظت از محیط زیست نداشتن علاقه است، به‌طوری که افزایش علاقه عمومی برای شناخت مشکلات در اولین مرحله فرآیند جلب مشارکت عمومی است، لیکن افکار عمومی اطلاعات کمی نسبت به موضوع دارند و اکثریت جامعه باید برای شناسایی مشکلات و واقعیت‌های محیط ترغیب شوند. (Marzo, 1980, 22) در این میان نقش اطلاعات شفاف و قابل فهم و علاقه باطنی بسیار مؤثر می‌باشد.

برخورداری از سواد به‌عنوان یک توانایی ارزشمندی غنای فرهنگی و اجتناب‌ناپذیر زندگی توأم با رشد ارزش‌های انسانی است. امروزه حیات روبه رشد جوامع با میزان سواد و دانش پیوند خورده است. بنابراین ایجاد تحول و ارتقاء فرهنگ زیست محیطی مستلزم افزایش بهره‌وری نیروی انسانی در زمینه مسائل زیست محیطی و اشاعه آموزش زیست محیطی در ابعاد گسترده‌تر می‌باشد. (فرصت، ۱۳۸۴، ۲۳)

مسأله دیگری که در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد، احیاء آداب و رسوم است که در بطن آنها مسأله حفظ محیط زیست وجود دارد. پرنسپل کردن آنها و اینکه به اعضای جامعه معرفی گردند. جامعه‌ای که به جای ارزش‌های سنتی، سنت پرستی را پیشه کند، از عمق ارزش‌ها بیرون می‌آید و فقط نظاره‌گر آن می‌شود. در چنین جامعه‌ای که ارزش‌های آن در ظواهری

خلاصه شود که مانند حبیبی، با یک اشاره از بین می‌رود، مسؤلیت نمی‌تواند جایگاهی پیدا کند. (اسلام زاده، ۵۰، ۱۳۸۲)

از طرفی مردم به تنهایی توانایی محافظت از محیط زیست خود را ندارند، حال به هر گونه که باشد. باید ارگان‌ها، سازمان‌ها، نهادها نیز مانند شهروندان وظایفی برعهده گیرند و به معنای دیگر وظایفی که برعهده شهروندان است بر عهده سازمان‌ها و دیگر ارگان‌ها نیز می‌باشد. وظیفه مهم سازمان‌ها ایفای نقش‌های مهم در این زمینه از جمله توجه مردم به ارزشمند بودن محیط زیست و برجسته‌سازی این مهم با ساخت و اجرای هنجارهای مناسب شهری است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

ناهنجاری‌های زیست محیطی همانند سرطان در اجزای سیاره ما در حال ریشه دواندن است، هر روز مراکز تحقیقاتی جهان از دگرگونی‌ها و تغییراتی که حادث شده یا در شرف تکوین است خبر می‌دهند. (فرصت، ۹۱، ۱۳۸۴) آب‌های زیر زمینی، روخانه‌ها، دریاچه‌ها و حتی اقیانوس‌ها آلوده شده و سیستم اکولوژی آنها در حال تخریب است از تعداد گونه‌های حیوانات، پرندگان، گیاهان و دیگر موجودات زنده به علت آلودگی و نامساعد شدن محیط زیست کاسته می‌شود و برخی از منابع طبیعی روبه اتمام است و شاید از همه بدتر آلودگی روز افزون هوایی است که استنشاق می‌کنیم و سلامتی انسان‌ها را تهدید می‌کند و به‌طور کلی چنین به نظر می‌رسد که طبیعت زیبا و اعجاب‌انگیز ما در حال نابودی تدریجی است و در نهایت محیط زیست کره ما از جهات مختلف تحت فشار شدید قرار گرفته است. (دبیرسیاقی، ۱۳، ۱۳۸۳)

امروزه حفاظت از محیط زیست و اطمینان از پایداری و همه جانبه بودن توسعه آن جدی‌ترین چالش پیش‌روی جامعه جهانی است، بنابراین احیاء و نگهداری هرگونه حیاتی مساوی است با امکان زندگی بهتر و بیشتر برای انسان‌ها در روی کره زمین. رابطه بین انسان و سایر موجودات جهان به هم پیوند خورده که نابودی یک گونه می‌تواند یک گزینه از امکانات زندگی انسان را کاهش دهد. (ولایی، ۱۳۸۴، ۳۴)

متأسفانه صدمات وارده به محیط زیست اکثراً نامرئی و مدت زمانی طول می‌کشد تا آثار مخرب و مرگبار مختلف آن بر سلامتی بشر و طبیعت ظاهر شود به همین علت اغلب «فردا دیر

است» که در جهت جلوگیری از صدمات به محیط زیست اقداماتی به عمل آید. (دبیرسیاقی، ۱۳۸۳، ۱۳)

در شهر تهران انواع و اقسام آلودگی‌ها وجود دارد که آن را در جهان به مقام دوم و گاهی اول رسانده است. بدیهی است اگر اقداماتی اساسی در زمینه حفاظت از منابع زیستگاهی و طبیعی استان صورت نپذیرد، در آینده نزدیک مشکلاتی جدی در خصوص محیط زیست استان خواهیم داشت.

اگر به هر صورتی به محیط اجتماعی، فرهنگی و طبیعی آسیب وارد شود، بازتاب‌های این آسیب را تمامی انسان‌ها احساس خواهند کرد، حتی اگر چنین تصور کنیم که این مسأله فقط به گروه محدودی از انسان‌ها مربوط شود. (تومه، ۶۰، ۱۳۸۰)

استفاده مطلوب از محیط زیست در کشور می‌تواند ضامن ماندگاری باشد و عدم توجه به آن می‌تواند متضمن مسایلی باشد که مجموعه برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور را با مخاطره روبه‌رو سازد. از این‌رو درک درست از نقش عوامل بازدارنده و کاستن از میزان آنها در مقابل تقویت عوامل مشوق می‌تواند به موفقیت در امر حفاظت از محیط زیست بیانجامد. (Havvey, 1995, 15)

تبلور فرهنگ زیست محیطی در جامعه این است که فرد فرد آحاد مردم جامعه در جمیع جهات محیط زیست را یک پدیده حیاتی و با ارزش بدانند و هیچگاه به عوامل تشکیل دهنده آن که هوا، آب و زمین می‌باشند آسیبی نرسانند اگر ۱۰٪ از افراد جامعه سیگار بکشند یقیناً در حق بقیه ظلم می‌کنند و حق بقیه را تضییع می‌نمایند و یا اگر ۲۰٪ از افراد دارای ماشین باشند و با سوخت مواد فسیلی در ماشین‌شان ایجاد آلودگی نمایند، همچنین بقیه را از استنشاق هوای سالم محروم می‌نمایند. فرهنگ زیست محیطی در واقع این است که من و شما و همه افراد جامعه به‌طور برابر از امکانات برخوردار باشیم. (پورنجف، ۱۳۸۶، ۱)

اهداف تحقیق

مهمترین هدف این پژوهش این است که عوامل فرهنگی (بیان شده در این تحقیق) مؤثر بر حفظ محیط زیست در شهر تهران را بررسی کند. از دیگر اهداف تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بررسی تأثیر آموزش‌های مناسب بر حفظ محیط زیست شهر تهران
بررسی تأثیر احساس مسئولیت بر حفظ محیط زیست شهر تهران
بررسی تأثیر ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط زیست شهر تهران
بررسی تأثیر اخلاق اجتماعی بر حفظ محیط زیست شهر تهران
بررسی تأثیر هنجارسازی‌ها از سوی ارگان‌ها و سازمان‌ها بر حفظ محیط زیست شهر تهران
سؤال اصلی تحقیق با توجه به هدف اصلی تحقیق این است که آیا رابطه معنی‌داری بین عوامل فرهنگی شناخته‌شده در این پژوهش و حفظ و بهبود محیط زیست شهر تهران وجود دارد؟

مفاهیم اساسی

فرهنگ:

فرهنگ: تایلور معتقد است فرهنگ به مجموعه‌ای آموخته‌شده از شناخت، باور، هنر، اخلاقیات، حقوق و عرف اشاره می‌کند. این تعریف به‌طور ضمنی فرهنگ و تمدن را یکی می‌داند. (مارشال، ۱۳۸۷، ۲۴۹) در لغت‌نامه دهخدا «فرهنگ» چنین تعریف می‌شود: مرکب از «فر» که پیشاوند است و «هنگ» که از ریشه «ثنگ» اوستائی به معنی کشیدن و فرهیختن و فرهنگ هر دو مطابق است با ریشه ادوکا وادور در لاتینی که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است. (رفیع پور، ۱۳۷۸، ۲۹۴)

حفاظت محیط زیست:

استفاده بهینه و مناسب از محیط زیست به نحوی که بتواند کیفیت خود را از نظر زندگی انسان حفظ کند. (دولت‌آبادی، ۱۳۸۲، ۶۱)

محیط زیست شهری:

منظور از محیط شهری فضاهای انسان ساخته، ساختمان‌ها، پیشرفت‌ها و ساختارهایی است که در شهرک‌ها و شهرها می‌یابیم، و این در برابر حیات وحش (که در آن هیچ ردپایی از

انسان نیست یا رد اندکی هست) و یا در برابر خارج از شهر روستایی قرار می‌گیرد. (که در آن محیط طبیعی و فرآیندهای آن را انسان‌ها اداره می‌کنند، اما آنها را نیافریده‌اند) شهر و شهرک نشان دهنده محیط ساختگی است که انسان‌ها برای خود یا دیگران درست می‌کنند و ظهور محیط شهری نیز، چه از لحاظ تاریخی و چه از لحاظ مفهومی، مدرن‌ترین محیط‌هایی است که انسان‌ها و غیرانسان‌ها در آن سکونت دارند. (بری، ۱۳۸۰، ۳۴)

زیان‌های زیست محیطی:

در تعریف زیان‌های زیست محیطی می‌گویند خساراتی است که بر اشیاء یا اشیا از طریق محیط زیستی وارد شود، که در آن زندگی می‌کنند. در اینجا محیط زیست منبع خسارت است، نه زیان دیده. برخی دیگر بر این باورند که این خسارات، ناشی از آلودگی است و مرتبط با همه خساراتی است که در کاهش عناصر طبیعی (آب، هوا، صدا) دخیل است. با دقت در آنها، بیشتر مواقع عناصری نادر را در این زیان می‌بینیم. نتایج زیان‌بار آسیب‌های زیست محیطی برگشت‌ناپذیر است. خسارات به صورت جمعی وارد شده و اسباب متعددی دارد. (محسن زاده، ۱۳۸۸، ۱۵۹)

پیشینه تحقیق

۱- تحقیقی با عنوان «تغییرات پوشش زمین و سازمان اجتماعی در آمازون برزیل» توسط سی‌دن ستریکرتو و جان ماریون در دانشگاه کمبریج با درجه دکتری سال ۲۰۰۴ انجام شده است موضوع اصلی آن پیرامون جامعه‌شناسی، ساختار جامعه و توسعه علوم زیست محیطی بوده است این تحقیق در رابطه با تغییرات پوشش زمین در سه منطقه و ارتباط سازمان اجتماعی و مدیریت سازماندهی با آن، صورت گرفته است. عوامل مانند پیشینه و فرهنگی، مهارت‌های مدیریتی در توضیح ارتباط محیط با مردم، مؤثر است. آنچه انگیزه کشاورزان را نسبت به حفظ محیط زیست تضعیف کرده، عبارتست از سیاست‌های ملی، عوامل اقتصادی، کوتاهی و نقص سازماندهی مشارکت مردم در تهیه نقشه‌های پوشش زمین، زمینه‌هایی را جهت ارتقاء آگاهی زیست محیطی و اختیار دادن به کشاورزان فراهم نمود. (صالحی، ۱۳۸۵، ۱۸)

۲- در تحقیقی که پالمر سال ۱۹۹۰ از ۲۳۲ نفر از مریبان حفظ محیط زیست به عمل آورد، از بین عوامل گرایش آنها نسبت به کارشان، ۹۷ نفر تجارب دوران کودکی در محیط‌های باز را ذکر کرده و ۱۱۴ نفر آنان، تماس مستقیم با طبیعت را در طول دوران زندگی عنوان کرده بودند مانند راهپیمایی، تماشای پرندگان، باغبانی و کاشتن گل و درخت. همانند این تحقیق در کشورهای آمریکا، سریلانکا، هنگ کنگ نیز انجام شد و همین نتایج به دست آمد. (میلتون، ۱۳۸۲، ۱۱۴)

۳- در بررسی آزمایشی هانشل ولیگت نشان داده شد که آموزش ضمن خدمت محیط زیست توأم با مطالب تکمیلی کلاسی از نظر افزایش اطلاعات دانش‌آموزان و اتخاذ گرایش‌های مثبت در قبال محیط زیست و آگاهی از نقش انسان در برابر آن، دستاوردهای قابل توجهی را بدنبال داشته است. با استفاده از یافته‌های هانشل ولیگت می‌توان گفت معلمینی که دوره آموزش ضمن خدمت را در آموزش محیط زیست گذرانیده‌اند گرایش بیشتری به توسعه افکار مثبت نسبت به موضوع محیط زیست خواهند داشت. (همتی، ۱۳۸۰، ۳۹)

۴- تحقیقی با عنوان «مطالعه نقطه نظرات و رفتارهای زیست محیطی در ایران» توسط صادق صالحی در سال ۱۳۸۸ انجام شده است که در این تحقیق متغیرهای مستقل عبارتند از جوان بودن افراد، جنسیت، تحصیلات و آموزش، اقامت شهری و روستایی، درآمد بالا و علاقه به محیط زیست. جامعه آماری تحقیق مذکور ۷۱۵ نفر از سه استان شمالی کشور (گیلان، مازندران و گلستان) انتخاب شده است. براساس یافته‌های این تحقیق مشخص شده است که گروه‌های سنی مختلف، رفتارهای زیست محیطی متفاوتی را نشان می‌دهند. بدین معنی که افراد نسل قدیم در مقایسه با نسل جدید از رفتارهای زیست محیطی بیشتری حمایت می‌کنند. از نقطه نظر آموزش و تحصیلات، ایران هیچ سرفصل آموزشی به نام آموزش رفتارهای زیست محیطی در آموزش خود از دبستان گرفته تا دانشگاه ندارند. لذا عاقلانه نیست اگر انتظار رفتارهای زیست محیطی متفاوتی از افراد تحصیل کرده داشته باشیم. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که بین میزان درآمد افراد و رفتارهای زیست محیطی ارتباط منفی وجود دارد.

۵- «ارزشیابی آموزش زیست محیطی در نظام آموزش عالی کشور» تحقیقی است که توسط محمد فرصت انجام گرفته است. در این تحقیق جامعه آماری ۷۰۰ نفر از دانشجویان

دانشگاه‌های تهران ورودی‌های ۷۸-۷۹ و ۸۱-۸۲ بوده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده‌است که خلاء آگاهی‌های زیست محیطی کاملاً محسوس و دارای چالش‌های قابل ملاحظه بوده‌است.

رابطه جامعه‌شناسی با محیط زیست

مسائل اجتماعی مانند زنجیر به یکدیگر پیوسته‌اند و نباید آنها را از یکدیگر جدا کرد. از طرف دیگر مانند زنجیر سلسله مراتبی نیست بلکه تمامی حلقه‌های این زنجیر در یکدیگر تنیده و با هم در ارتباط هستند. اگر سلامت فرهنگی- اجتماعی در جامعه لازم است مطمئناً بحث مسئولیت، آموزش، قانون، نظم و غیره به پیوست آن مطرح می‌گردد. از دیدگاه جامعه‌شناختی تزلزلی کوچک در هر یک از این حلقه‌ها همه را نیز به لرزه می‌اندازد. حرکت جامعه سالم بر یک بند می‌باشد که کوچکترین لرزش- حال بر هرگونه که می‌خواهد باشد- سقوط و انهدام آن جامعه سالم است. حکایت این دو کاملاً مشخص و روشن است اگر فرهنگی سلامت کامل داشته باشد، می‌تواند از سلامتی محیط زیست، استفاده آینده‌نگرانه از منابع طبیعی و سلامت جامعه صحبت کند. سلامت محیط زیست هر جامعه‌ای، ضامن سلامت کامل آن است، بدین معنی که این دو به یکدیگر وابسته‌اند و اگر یکی را نادیده بگیریم، دیگری نیز از بین خواهد رفت. (اسلام زاده، ۱۳۸۲، ۸۵)

جامعه‌شناسی زیست محیطی در دهه ۱۹۹۰، به عنوان یک رشته دانشگاهی مطرح شد، از جمله در کشور آلمان، اما در بعضی از کشورها تا سال ۱۹۹۶ رسماً تأیید نگردید. رایج‌ترین عنوان تحقیق در این زمینه در جامعه‌شناسی زیست محیطی می‌باشد قسمتی از مشکل این است که مسائل محیط زیست به عنوان یک موضوع حقیقی و اصلی جامعه‌شناسی در نظر گرفته نشده است. در جامعه‌شناسی، موقعیت دور از طبیعت برای خود در نظر گرفته‌است، به‌طور کلی تا دهه ۸۰ جامعه‌شناسی به دلیل مذهبی، به رابطه زیست محیطی با جامعه، مردم و جمعیت علاقه‌ای نداشت. (میلتون، ۱۳۸۲، ۲۶)

جامعه‌شناسی محیط زیست با اثر متقابل پیچیده‌ای بین تعداد عامل و ساختار، در سطوح مختلف باید سروکار داشته باشد. بعضی ترکیبات تئوری سیستم‌ها و کنش برای جامعه‌شناسی

زیست محیطی مفید خواهد بود. در ساختارها نباید از انسان غافل شد. بشر نیاز به تجدید جامعه‌شناسی فرهنگی، شناخت و تجزیه دارد، مهمترین توسعه این رشته انتقال جامعه‌شناسی محیط به جامعه‌شناسی محیط زیست می‌باشد. اولی به مطالعه جریانات محیط زیست از درون جامعه‌شناسی کهن می‌پردازد، ولی دومی شامل روابط محیطی و اجتماعی می‌باشد. (صالحی، ۱۳۸۶، ۲۳)

مبانی نظری

- نظریه ساختارگرایی:

ساختارگرایی اجتماعی بر این باور است که گرچه مسائل محیطی ممکن است از واقعیت بسزایی به خودی خود برخوردار باشند ولی بدون تحقیق در زمینه بافت فرهنگی، تاریخی و اجتماعی که این مسائل را احاطه نموده است، قابل درک نمی‌باشند. (Salehi, 2010, 12)

- تئوری همبستگی اندام واره:

انسان، در طبیعت خویش درگیر شهوات است و اگر این فشارعینی و خارجی وجود نداشته باشد جامعه انسانی به جنگل بیشتر شبیه خواهد شد. این گرایشات هستی شناختی بهترین دلیل و توجیه علمی بود که دورکیم برای دفاع از نظم حاکم و تسلیم فرد به جمع می‌توانست ارائه دهد. دورکیم معتقد است که این فشار و تحمیل اجتماعی در نظامی ساختاری از همبستگی اجتماعی رخ می‌دهد، بدین روال سلامت جامعه را منوط به میزان درجه همبستگی اجتماعی آنها دانسته و بررسی این میزان را از وظائف علم جامعه‌شناسی می‌داند. همبستگی اجتماعی، می‌تواند وحدت، سلامت و یک پارچگی گروه را تعیین کند. هر جا که این همبستگی نیرومندتر باشد افراد را به سوی هم متمایل تر کرده و بر میزان روابط متقابل میان آنان می‌افزاید و برعکس هرچه میزان همبستگی کمتر باشد از تنوع روابط و برخوردهای میان افراد کاسته خواهد شد. (تنهایی، ۱۳۷۷، ۱۳۳-۱۳۲)

- نظریه اخلاقی شوایتزر:

آلبرت شوایتزر در کتاب تمدن اخلاق خود اینگونه بیان کرده: «همان طور که در میل به زیستن اراده معطوف به زیست در نزد خود من آرزوی حیات و زندگی بیشتر وجود دارد همین امر به طور کلی در میل به زیستن در پیرامون من حاکم است، فرقی نمی‌کند که او خود بتواند این خواست را به من بفهماند یا تمایل و اشتیاقی بیان نشده باقی بماند.» از نظر او اخلاق عبارت از همین است، که من ضرورت همان حرمت‌گذاری برای حیات نسبت به کل خواست یا اراده معطوف به زیست را احساس کنم، که نسبت به خواست زیست خود احساس می‌کنم. (پویمان، ۱۳۸۴، ۱۸۵)

- نظریه جامعه مخاطره‌آمیز:

این نظریه توسط اولریک بک مطرح شده است به نظر او دگرگونی اخیر جوامع باختری با تأکید بر مسائل زیست‌محیطی اشاره دارد با تأکید بر بهداشت اثرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی زیست‌محیطی به‌طور اعم و تولید مبتنی بر علم و فن‌آوری به‌طور اخص می‌باشد. (بری، ۱۳۸۱، ۲۰۴)

از نظر بک دانش و آگاهی اشاعه و انتقال این ریسک‌ها مهم هستند. اصل احتیاط جنبه مهمی از رابطه میان نظریه اجتماعی و ریسک‌های زیست‌محیطی را تشکیل می‌دهد. این اصل در سال‌های اخیر به نظرات ارزیابی ریسک و مدیریت، وارد شده است و بر این محور می‌چرخد که در شرایط عدم تعیین، عقلانیت حکم می‌کند محتاط باشیم و به اعمال خطر آفرین دست نزنیم این اصل بر آن است تا بستر را از شکل‌های جبران‌نشده دخالت در محیط زیست منع نماید (بری، ۱۳۸۱، ۲۱۶).

- نظریه آسیب‌شناسی

آسیب‌شناسی جامعه‌شناختی دورکیم عمدتاً دو حالت دارد: گاه ممکن است سیستم و نظام اجتماعی دچار مشکل شود، گاه افراد و گروه‌های کوچک داخل اجتماع درگیر مشکل شوند مثلاً فرد یا افرادی به این دلیل که نمی‌توانند انتظار سیستم را برآورده کنند با مشکل عدم تطابق روبرو هستند البته این امر خود ریشه در مسائل اجتماعی دارد ممکن است که فرد از نظام تقسیم

کار اخراج شده باشد. یا به هر دلیل دیگری از این نظام جدا شود، در این حالت همبستگی‌اش با جامعه کم می‌شود و این گسستگی باعث بروز فساد اجتماعی خواهد شد. اغلب کارکردگرایان انسجامی معتقدند که انسان طبیعت شروری دارد، بنابراین در نظام دورکیمی اگر نتوان فرد را در فرآیند اجبار اجتماعی قرارداد و با اجتماع همراه کرد، وی منافع فردی خود را بر منافع جمعی تفوق می‌دهد و لذا جامعه با آسیب و انحراف روبرو می‌شود و این آسیب‌ها و انحرافات با گرایش‌های فردگرایانه و یا گرایش‌های خودگرایانه نمود پیدا می‌کند. (تنهایی، ۱۴۱، ۱۳۷۷-۱۴۰)

چهارچوب نظری

پژوهش حاضر به دلیل آن‌که در حوزه‌ای بین رشته‌ای بررسی می‌گردد، بنابراین ضمن آن که از دیدگاه‌های زیست محیطی با گرایش‌های اجتماعی تأثیر پذیرفته است اما با رویکرد جامعه‌شناسی به تحلیل می‌پردازد.

- امیل دورکیم

دورکیم جوامع را به دو نوع تقسیم کرده همبستگی مکانیک و همبستگی ارگانیک یا اندامی. در جامعه‌ای که همبستگی مکانیکی حاکم است، افراد جامعه چندان فرقی با هم ندارند اما در جامعه ارگانیک، افراد باهم متفاوت می‌باشند، با احساسات متفاوت و دارای تمایز اجتماعی. (کوزر، ۱۳۷۹، ۱۹۶) آنچه که بین مردم رواج دارد و عمومی است، حالت طبیعی دارد و هرآنچه اکثر مردم انجام می‌دهند، هنجار شناخته می‌شود و مردم رفتارهایشان را با آن تطبیق می‌دهند. رفتارهایی که امروز در جامعه انجام شده و به نحوی موجب انواع آلودگی می‌گردد، به عنوان هنجار در جامعه جریان دارد. (مانند بوق زدن، زباله ریختن در محیط و غیره هیچ کس بخاطر انجام چنین کارهایی سرزنش و حتی مجازات نمی‌شود) (بودون، ۱۳۸۵، ۷۸۱)

دورکیم این را مسأله اصلی می‌داند که پیوند اجتماعی، محصول واقعیت‌های اجتماعی است. واقعیت‌های اجتماعی را روش‌های اندیشیدن، عمل کردن و احساس کردن تعریف کرده- است. (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ۵۰۵)

دورکیم معتقد است شهوات بشری فقط در برابر یک نیروی اخلاقی معتبر باز می‌ایستند. اگر هیچ نوع اقتدار اخلاقی وجود نداشته باشد تنها قانون جنگل فرمانروا خواهد بود و ستیزه جویی به صورت پنهان یا به شکل حاد، ناگزیر حالتی مزمن به خود خواهد گرفت. (آرون، ۱۳۷۷، ۳۵۹)

دورکیم به ضرورت عمیق اصلاحات اجتماعی و اخلاقی عقیده داشت. (آرون، ۱۳۷۷، ۴۳۴)

- نالکوت پارسونز:

پارسونز برخی از پیش‌نیازهای کارکردی نظام اجتماعی را مشخص کرد. نخست آن که، هر نظام اجتماعی باید چنان ساختارگیرد تا بتواند به گونه‌ای سازگار با نظام‌های دیگر عمل کند. (ساختارش به گونه‌ای باشد که به نوبه خود و در کنار جوامع دیگر به حفظ محیط زیست بپردازد)

دوم آن که هر نظام اجتماعی برای آن که باقی بماند باید از پشتیبانی ضروری نظام‌های دیگر برخوردار باشد. (یک جامعه وظیفه یک نهاد و یک ارگان یا یک سازمان نیست) سوم آن که هر نظامی باید نیازهای مهم کنشگرانش را به اندازه کافی برآورده سازد. (نیازهای اولیه افراد را در این زمینه برآورده سازد و بعد از افراد انتظار پاسداری از محیط زیست را داشته باشد)

چهارم آن که یک نظام باید مشارکت کافی اعضایش را برانگیزاند. (یک نظام با عملکرد مناسب خود راه‌هایی را ابداع کند که حس مسئولیت مردم را در این زمینه برانگیزد) پنجم آن که یک نظام باید حداقل نظارت را بر رفتار بالقوه مخرب اعضایش داشته باشد. ششم آن که اگر چنانچه کشمکش‌ها به اندازه کافی مخرب گردند، آنها را تحت نظارت درآورد. (ارزش‌ها و هنجارهای مناسب در این زمینه را باید بسط و گسترش داد و نهادینه کرد تا درونی گردد) (ریتزر، ۱۳۷۴، ۱۳۵)

پارسونز فرهنگ را نیروی عمده‌ای می‌انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. به عقیده پارسونز هنجارها و ارزش‌ها در

جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدفها نقش بازی می‌کنند. پارسونز بیان کرد که کنش چیزی جز کوشش در جهت تطبیق با هنجارها نیست. (ریتزر، ۱۳۸۰، ۱۳۷۴-۱۳۹)

به عقیده پارسونز هنجارها و ارزشها در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدفها نقش بازی می‌کنند. پارسونز بیان کرد که کنش چیزی جز کوشش در جهت تطبیق با هنجارها نیست. (ریتزر، ۱۳۷۴، ۳۵۹)

- ماکس وبر:

نزد وبر مفهوم اخلاق، یعنی درمعنای جامع کلمه، اعمال و رفتار جایگاه اول را دارد. آنچه برای او جالب است جهت‌یابی‌های هنجاری هستند که شیوه زندگی شخصی را ساماندهی می‌کنند مسأله تبیین این است که چرا برخی رفتارها برای ما احیا می‌شوند، حتی اگر در نگاه اول توقعات و منطق‌شان مانعی در برابر ارضای برخی غرایز و خواهش‌های نفسانی هستند. یکی از شرایط این مشروع‌سازی این است که مجموعه ارزش‌هایی که میدان تجربه ما را در قبال مهمترین ابعادش ساماندهی می‌کنند به تکالیف قومی مشروعیت می‌بخشند. (بودون، ۱۳۸۵، ۳۴۹)

وبر به دین به‌عنوان بُعد محوری فرهنگ اشاره می‌کند و بر محتوای ذهنی نظام‌های تجربه ایمان و اعتقاد، تأکید دارد. وی معتقد است با آغاز مدرنیته، جهان به سمت تهی شدن از معنا پیش می‌رود و در عصر بوروکراسی به جای کسب نوعی تعالی، توجه اصلی بشر بر کارایی و عقلانیت است با این تفاسیر زندگی مقصد و معنی خود را گم کرده و انسان‌ها در دامی افتاده‌اند که او آن را قفس آهنین بوروکراسی پوچ و عقلانیت بی‌معنا نامیده است. وبر با تأکید بر اهمیت محوری و تقریباً همه جانبه باورهای دینی در زندگی بشر، فضایی برای استقلال فرهنگ ایجاد می‌کند. (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ۹۵-۱۰۰)

وبر خصیصه عمده جامعه جدید را در توسعه روند عقلانیت می‌داند نه در تمایزپذیری اجتماعی و هریک از این مفاهیم [از دیدگاه وی] هم از نظر تعبیر علمی پدیده‌ها و هم از لحاظ ارزش‌گذاری اخلاقی و فلسفی، نتایج متعدد به بار می‌آورند. (آرون، ۱۳۷۷، ۴۳۹)

- ژرژ تومه:

تومه در مقام نویسنده‌ای محیط گرا، معتقد است که میزان احترام شهروندان هر جامعه به اخلاق محیطی و حفاظت از محیط طبیعی، از جمله معیارهای سنجش میزان توسعه فرهنگی در آن جامعه محسوب می‌شود. (تومه، ۱۳۸۰، ۱۵)

ژرژ تومه معتقد است فرهنگ و جامعه باهم در تعامل هستند و فرهنگ هدایت کننده عملکرد افراد جامعه می‌باشد. با تغییر فرهنگ، می‌توان رفتار مردم را تغییر داد اما فرهنگ فقط یک عامل یا یک واژه و عبارت نیست، بلکه دنیای گسترده‌ای است. فرهنگ متشکل از عادات و آداب است عاداتی که در طی زمان شکل گرفته‌اند و مردم مطابق آنها رفتار می‌کنند. (تومه، ۱۳۸۰، ۵)

تومه معتقد نیست که بایستی توسعه مادی را متوقف کرد، بلکه بایستی با پذیرش اخلاق محیطی به توسعه بُعدی فرهنگی بخشید. هدف نهایی آموزش‌ها و اخلاق محیطی، ایجاد تقویت رفتار ایده‌آل محیطی است. بین محیط زیست و توسعه فرهنگی ارتباط متقابل وجود دارد. اگر توسعه دارای بُعد فرهنگی باشد بهتر می‌توان از محیط زیست حفاظت کرد و اگر محیط زیست محافظت شود، این عمل سبب تقویت هویت فرهنگی خواهد شد. بدین ترتیب هدف نهایی، مترادف ساختن توسعه با فرهنگ است. (تومه، ۱۳۸۰، ۱۳)

- آنتونی گیدنز:

گیدنز برخلاف جامعه‌شناسان کلاسیک، به موضوع‌های محیط زیستی و جایگاه طبیعت در نظریه اجتماعی خود توجه بیشتری نشان داده است. توجه او به محیط زیست در نظریه جهانی شدن خود را آشکار می‌کند. به بیان او «در سنت‌های فکری که با جامعه‌شناسی آمیخته‌اند، مشغله‌های زیست بومی چندان جایی ندارند. صنعت‌گرایی، دنیایی ترسناک‌تر آفرید. به‌طوری که دگرگونی زیست محیطی زیان‌آوری رخ می‌دهد که هیچ کس بر روی کره زمین از تأثیر آن برکنار نیست.» (بری، ۱۳۸۱، ۱۲۱)

گیدنز سیاست‌های زیست‌محیطی را پیشرفت‌هایی می‌داند که به سمت اخلاقی شدن نظم اجتماعی، نهادها و روابط گرایش دارد و این نکته برای او بسیار ارزشمند است. او جنبش‌های

زیست محیطی را کوششی می‌داند برای استقرار فردی بنیادهای اخلاقی و امنیت هنجاری در زندگی مردم. اخلاقیاتی که وی آنرا می‌پسندد آن اصولی هستند که در دنیای امروزی و شهرنشینی از بین رفته‌اند. «یکی از پدیده‌های نوسازی شهری، از دست رفتن حس زندگی در میان نظم طبیعی است زندگی در محیط شهری، مردم را از واقعیات دنیای طبیعی و وابستگی جامعه به آن دور می‌کند.» (بری، ۱۳۸۱، ۱۲۴)

فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی تحقیق: به نظر می‌رسد بین عوامل فرهنگی و حفظ محیط زیست رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی تحقیق

۱- به نظر می‌رسد بین احساس مسئولیت در جامعه و حفظ محیط زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین اخلاق اجتماعی در جامعه و حفظ محیط زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین هنجارسازی‌ها از سوی ارگان‌ها و سازمان‌ها و حفظ محیط زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد بین آموزش و آگاهی مناسب در جامعه بر حفظ محیط زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

۵- به نظر می‌رسد بین ارزش‌های دینی و سنتی در جامعه و حفظ محیط زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

روش تحقیق و ابزار جمع‌آوری داده‌ها

روش اصلی این تحقیق پیمایش است و جهت گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است بدین منظور جهت به‌دست آوردن بخشی از اطلاعات و ادبیات موضوعی با مراجعه و یادداشت‌برداری از کتب فارسی و خارجی تخصصی و اسناد و مدارک مربوط به

محیط زیست، نشریات و مجلات علمی و تحقیقاتی، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی از شبکه‌های مهم اطلاع‌رسانی و سایت‌های مختلف اینترنتی جمع‌آوری شده و در ادبیات تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌است.

جامعه آماری، مجموعه‌ای از افراد هستند که یک یا چند صفت مشترک دارند. جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق، کل افراد ساکن در دو منطقه شهرداری تهران را در بر می‌گیرد که براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ منطقه پنج دارای ۶۷۷۰۸۵ نفر و منطقه هجده دارای ۳۱۴۹۴۵ نفر ساکن می‌باشد. با توجه به محدودیت‌های تحقیق و گستردگی جغرافیایی و پراکندگی افراد در سطح منطقه و به علت عدم دسترسی به تمام آنان در مدت زمان انجام تحقیق، براساس فرمول کوکران تعداد افراد نمونه ۴۰۰ نفر تعیین گردید پرسشنامه‌های تنظیمی توسط ۲۰۰ نفر از ساکنان مناطق بالا که منطقه پنج در نظر گرفته شده و ۲۰۰ نفر از مناطق پایین که منطقه هجده می‌باشد تکمیل گردید.

یافته های تحقیق:

رابطه بین احساس مسئولیت و حفظ محیط زیست

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵٪، سطح معناداری برابر با صفر است که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می‌شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر احساس مسئولیت با حفظ محیط زیست رابطه دارد. شدت رابطه بین دو متغیر احساس مسئولیت و حفظ محیط زیست خوب است و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر با افزایش احساس مسئولیت در افراد، میزان حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی افزایش می‌یابد و با کاهش احساس مسئولیت میزان رفتارهای زیست محیطی نیز کاهش خواهد یافت.

رابطه بین اخلاق و حفظ محیط زیست

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵٪، سطح معناداری برابر با صفر است که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می‌شود و H_1

(فرضیه پژوهشگر) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر اخلاق اجتماعی با حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی رابطه دارد. شدت رابطه بین دو متغیر اخلاق اجتماعی و حفظ محیط زیست خوب است و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر هرچه اخلاق اجتماعی در بین افراد جامعه افزایش یابد حفظ محیط زیست نیز بهتر می‌شود و بالعکس.

رابطه بین هنجار سازی و رفتار زیست محیطی

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵٪، سطح معناداری برابر است با ۰/۵۹ (sig = ۰/۵۹) که بزرگتر از ۰/۰۵ است. یعنی با اطلاعات موجود H_1 (فرضیه پژوهشگر) رد می‌شود و H_0 تأیید می‌شود. به عبارت دیگر هنجار سازی با حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی رابطه معناداری ندارد.

رابطه بین آموزش و حفظ محیط زیست

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵٪، سطح معناداری برابر با صفر است که کوچکتر از ۰/۰۵ است. یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می‌شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر آموزش با حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی رابطه دارد. شدت رابطه بین دو متغیر آموزش و حفظ محیط زیست متوسط و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر هرچه آموزش در بین افراد جامعه افزایش یابد حفظ محیط زیست نیز بهتر می‌شود و بالعکس.

رابطه ارزش‌های سنتی و دینی و حفظ محیط زیست

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵٪، سطح معناداری برابر با صفر است که کوچکتر از ۰/۰۵ است. یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می‌شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر ارزش‌های سنتی و دینی با حفظ محیط زیست رابطه دارد. شدت رابطه بین دو متغیر ارزش‌های سنتی و دینی و حفظ محیط زیست قوی و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر با افزایش ارزش‌های سنتی و دینی در افراد، میزان حفظ محیط

زیست و رفتارهای زیست محیطی افزایش می‌یابد و با کاهش ارزش‌های سنتی و دینی میزان رفتارهای زیست محیطی نیز کاهش خواهد یافت.

جدول شماره ۱: ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل با متغیر وابسته حفظ محیط زیست

متغیر	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری	رابطه یا عدم وجود رابطه همبستگی
احساس مسئولیت	۰/۲۱	۰/۰۰۰	همبستگی و رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد
اخلاق اجتماعی	۰/۳۹	۰/۰۰۰	همبستگی و رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد
هنجار سازی	۰/۲۱	۰/۵۹	همبستگی و رابطه معنادار وجود ندارد
آموزش، دانش، آگاهی	۰/۱۳	۰/۰۰۰	همبستگی و رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد
ارزش‌های سنتی و دینی	۰/۴۴	۰/۰۰۰	همبستگی و رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد

بحث و نتیجه‌گیری:

همانطور که ذکر شد موضوع تحقیق حاضر بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران می‌باشد. در مباحث گزارش یافته‌ها و آزمون فرضیات، توصیف جامعه مورد مطالعه بررسی شد. حال با توجه به آنچه آورده شد نتایج این تحقیق با استفاده از نظریه‌های موجود در زمینه حفظ محیط زیست مورد تبیین و توضیح قرار می‌گیرد.

با توجه به آزمون پیرسون در این تحقیق مشخص گردید که با سطح اطمینان ۹۵٪ بین «احساس مسئولیت» و «حفظ محیط زیست» رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد به این معنا که با افزایش احساس مسئولیت در افراد میزان حفاظت از محیط زیست در جامعه نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس.

همانطور که در نظریات بیان شد دورکیم جوامع را دارای دو نوع همبستگی ارگانیک و مکانیک تقسیم کرده‌است. بنابراین می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که جوامع شهری مانند جوامع

ارگانیک می‌باشند که مردم جهت هر کار و مسأله‌ای، واحد و سازمانی را مسؤول می‌دانند و حس مسؤولیت این افراد بسیار پائین است به‌خصوص در مورد حفظ محیط زیست شهر با توجه به آلودگی سطح شهر کاملاً مشهود است. مثلاً نظافت شهر را لزوماً وظیفه مسؤولین شهرداری و خود را از هرگونه اقدامی در این جهت مبرا می‌دانند و حتی در بسیاری موارد حاضر به جمع‌آوری زباله‌هایی که خود باعث ریختن و بوجود آوردن آن در سطح شهر می‌شوند نیستند. این حس بی‌مسؤولیتی در سطح شهر و بین افراد باعث ضررهای مهلکی به محیط زیست شهر و همچنین سلامت تک تک شهروندان خواهد شد. همانطور که پارسونز در بر شمردن پیش نیازهای خود دومین پیش نیاز را اینگونه بیان کرده که هر نظام اجتماعی برای آن که باقی بماند نیاز است از پشتیبانی ضروری نظام‌های دیگر برخوردار باشد. از این سخن پارسونز می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که حفظ محیط زیست در یک جامعه وظیفه یک نهاد و یک ارگان یا یک سازمان نیست بلکه تک تک افراد، نهادها و سازمان‌ها نسبت به این امر مهم مسؤول هستند و سازمان حفاظت محیط زیست و دیگر ارگان‌ها و مسؤولین بدون پشتیبانی نهادها و ارگان‌ها و همه مردم نمی‌توانند موفق باشند و این امر مسلم است که هرچه حس مسؤولیت‌پذیری افراد بالا رود با محیطی پاک و زیبا روبه رو خواهیم شد.

نتیجه دیگری که در این تحقیق با توجه به آزمون پیرسون با سطح اطمینان ۹۵٪ به دست آمد این بود که بین متغیر «اخلاق اجتماعی» و «حفظ محیط زیست» نیز رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. به این معنا که اگر اخلاق اجتماعی در سطح جامعه ما نهادینه و پایدار گردد میزان حفظ محیط زیست نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

همانطور که در بخش نظریات بیان شد دورکیم به ضرورت عمیق اصلاحات اجتماعی و اخلاقی عقیده داشت و معتقد بود که قواعد اخلاقی، تضادها و کنش‌ها را تخفیف می‌دهد یعنی با رواج اخلاق اجتماعی در بین افراد یک جامعه می‌توان تضادها را در رفتارهای افراد کاهش داد. تا زمانی که اخلاق اجتماعی در یک جامعه به‌طور مناسب رواج نداشته باشد و تا زمانی که افراد به حقوق یکدیگر احترام نگذارند و خودخواهی را سرلوحه رفتارهای خویش قرار دهند نمی‌توان انتظار محیط‌زیستی پاک را داشت. همانطور که پارسونز بیان می‌کند معیارهای اخلاقی، همان شگردهای یکپارچه کننده و حاکم بر نظام کنش می‌باشند و همچنین وبر معتقد است

مفهوم اخلاق یعنی در معنای جامع کلمه، اعمال و رفتار جایگاه اول را دارد. بنابراین با توجه به تأیید شدن این فرضیه که اخلاق اجتماعی بر محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی مؤثر است به این نتیجه می‌رسیم که اخلاق عامل تأثیرگذار و تعیین کننده‌ای بر رفتارهای انسان‌ها می‌باشد همچنین عامل مهمی در حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست محیطی مناسب می‌باشد. با توجه به نتایج آزمون پیرسون با سطح اطمینان ۹۵٪ در مورد فرضیه دیگر این تحقیق مشخص گردید رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیر «ارزش‌های دینی و سنتی» و «حفظ محیط زیست» می‌باشد.

گیدنز معتقد است صنعت‌گرایی، دنیایی ترسناک‌تر آفرید به طوری که دگرگونی زیست محیطی زیان‌آوری رخ می‌دهد که هیچ‌کس بر روی کره زمین از تأثیر آن برکنار نیست و دورکیم معتقد است که با توسعه جوامع امروزی مذهب روبه زوال می‌گذارد و معتقد است کوشش نوسازی مذهب واکنشی است نسبت به تضعیف اعتقادهای سنتی. از این مباحث می‌توان چنین نتیجه گرفت که پررنگ کردن آموزه‌ها و سفارشات دینی همچنین راه و روش‌های سنتی و قدیمی در مورد حفاظت از محیط زیست می‌تواند تأثیر بسزایی در حفظ و حراست و پایداری آن داشته باشد و رفتارهای زیست محیطی مناسبی را در پی داشته باشد و این مسأله در جامعه ما مطمئناً مؤثرتر و مهمتر است و همچنین نشان دهنده آن است که گرچه جامعه ما نیز همراه با جامعه جهانی با تغییرات و پیشرفت تکنولوژی فناوری و اطلاعات روبرو است اما با تأملی در رفتار و اعمال آنها به وضوح می‌توان دید که افکار و عقاید مردم جامعه ما ریشه سنتی و دینی دارد که تعیین کننده اعمال و رفتار آنهاست و در نهایت این امر در جامعه اسلامی ما برجسته‌تر است و به عنوان یک عامل محوری نیز از آن می‌توان یاد کرد. همانطور که وبر دین را به عنوان بُعد محوری فرهنگ نام برده است.

با توجه به آزمون ضریب همبستگی پیرسون با سطح اطمینان ۹۵٪ در این تحقیق مشخص گردید متغیر «هنجارسازی» بر «حفظ محیط زیست» تأثیری ندارد.

بنابر نظریات مطرح شده که افراد قبل از انجام هر عملی خود را با ارزش‌های جامعه سازگار می‌کنند چنانچه خلاف هنجاری اقدام نمایند از طرف جامعه طرد می‌شوند، می‌توان گفت اگر هنجاری در یک جامعه مورد تأیید باشد مردم براساس آن رفتار می‌کنند اما در این

تحقیق برخلاف نظریات مطرح شده تأثیر هنجارسازی بر حفظ محیط زیست رد شد. این نتیجه را اینگونه می‌توان تبیین کرد که ساخت اغلب هنجارها در جامعه توسط ساختارکلی یعنی دولت و دولتمردان انجام می‌شود و چون دید مردم نسبت به عملکرد و برنامه‌ریزی و طرح‌ها و در کل بیانات دولتمردان مثبت نیست در نتیجه از عمل به هرگونه هنجار مورد تأیید ایشان سرباز می‌زنند هرچند هنجار مطرح شده درست و مقبول هم باشد اما چون از طرف ساختاری که مورد قبول و پذیرش عام نمی‌باشد مطرح شده مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. ممکن است در یک پروسه زمانی آن هنجار در جامعه ثبات پیدا کند و مطمئناً زمانی است که مردم خود به صحت و سقم و حقیقت آن آگاه گردند.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون با سطح اطمینان ۹۵٪ نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیر «دانش و آگاهی» و «حفظ محیط زیست» می‌باشد.

همانطور که اولریک بک در پایان ذکر مخاطرات جهانی خود اعلام داشته دانش و آگاهی در اشاعه و بیان آنها امر بسیار مهمی است می‌توان سخن او را مهر تأیید بر این بیان داشت که خطرات زیست محیطی را باید به وضوح و شفاف بیان کرد و مردم را آگاه ساخت همچنین به آنها آموزش داد در جهت حفظ محیط‌زیست در این راستا چگونه گام بردارند. هر جامعه‌ای که می‌خواهد افرادش در جهت رفتارهای مورد تأیید آن جامعه گام بردارد باید پرورش یابد و با کسب دانش، آگاهی‌های آنها را افزایش دهد تا زمانی که افراد از نتایج مخرب و زیان بار زیست محیطی خود آگاهی کافی نداشته باشند و یا آموزش‌های لازم جهت حفظ محیط زیست شهر به آنها داده نشود! چگونه باید انتظار داشت که آنها در این راستا همگام باشند. با توجه به سخن پارسونز که معتقد است آگاهی به عنوان گرایش ارادی وسایل دستیابی به هدف‌ها است، گواه بر همین امر است. یعنی اگر مردم آگاه باشند و اطلاعات کافی در این زمینه داشته باشند بدون جبر و ناخودآگاه در این راستا تلاش خواهند کرد.

در پایان بحث لازم است که یک جمع بندی کلی در رابطه با عوامل فرهنگی ذکر شده بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی ارائه شود.

برای تبیین حفظ محیط‌زیست به نظر می‌رسد اولین واژه فرهنگی تأثیرگذار، احیاء سنت-های گذشته و پررنگ کردن مسائل دینی در این زمینه باشد. یعنی مسائلی که مردم قلباً و باطناً

آن را قبول دارند و براساس آن عمل می‌کنند. با توجه به مطالعات انجام شده در راستای حفظ محیط زیست مشخص گردید که افزایش دانش و آگاهی مردم در این زمینه گامی مهم و مؤثر می‌باشد و به نظر می‌رسد رفتار بسیاری از مردم در تخریب محیط زیست شهر و جامعه خود از روی ناآگاهی آنهاست و در بیان دیگر بسیاری از افراد نه عمداً بلکه سهواً از جهت بی‌اطلاعی در راستای تخریب محیط زیست عمل می‌کنند. درکنار آموزش، بالابردن اخلاق اجتماعی و تعهد و مسؤولیت از عوامل مهم دیگری است که بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی تأثیر گذارند.

به‌طورکلی با توجه به عقیده پارسونز که فرهنگ را نیروی عمده‌ای می‌انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد فرهنگ میانجی کنش متقابل میان کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند، می‌توان گفت که فرهنگ عامل تعیین کننده رفتارهای افراد در یک جامعه است و رفتارهای زیست محیطی تک تک افراد نشأت گرفته از این عامل مهم می‌باشد.

- پیشنهادات:

- اشاعه سنت‌های قدیمی در مورد حفظ محیط زیست و ارزش نهادن به این سنت‌ها در جامعه.
- افزایش آگاهی‌های عمومی در بین اقشار مختلف مردم و کلیه سطوح تحصیلی برای پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست.
- تلاش برای بالا بردن اخلاق اجتماعی جهت نهادینه و پایداری رفتارهای حفظ محیط زیست مناسب در سطح شهر.
- تقویت حس مسؤولیت‌پذیری در حفاظت از محیط زیست و ارتقاء روحیه تعاون در مردم و نهایتاً تبلور فرهنگ زیست محیطی در اقشار مختلف کشور با فرهنگ عمومی.

فهرست منابع:

۱. آرون، ریمون، ۱۳۷۷، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، مترجم باقرپرهام، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم.
۲. اژدری، افسون، ۱۳۸۲، توسعه فرهنگی و محیط زیست، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست، شماره ۳۹.
۳. اسلام زاد، وحید، ۱۳۸۲، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی محیط زیست، نشر سازمان سبز حزب اسلامی کار.
۴. اصغری لقمجانی، صادق، ۱۳۷۸، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول.
۵. بری، جان، ۱۳۸۰، محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان، نیره توکلی، انتشارات سازمان محیط زیست، چاپ اول.
۶. بودون، ریمون، ۱۳۸۵، فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالحسن نیک گهر، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.
۷. پورنجف و همکاران، ۱۳۸۶، بررسی وضعیت عوامل زیست محیطی در ارتباط با سلامت جامعه شهری ایلام، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره پانزدهم، شماره سوم.
۸. پویمان، لویی.پ، ۱۳۸۴، اخلاق زیست محیطی، ترجمه گروه مترجمان، نشر توسعه، جلد اول، تهران، چاپ اول.
۹. تنهایی، حسین ابوالحسن، ۱۳۷۷، درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی، چاپ شرکت تعاونی چاپ گناباد، چاپ سوم.
۱۰. تومه، ژرژ، ۱۳۸۰، توسعه فرهنگی و محیط زیست، محمد شارع پور، غزال (باز)، چاپ اول.
۱۱. دبیر سیاقی، سیدمنوچهر، ۱۳۸۳، بحران محیط زیست، انتشارات حدیث امروز، قم، چاپ اول.
۱۲. دولت آبادی، حسن، ۱۳۸۲، فرهنگ محیط زیست، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.
۱۳. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸، آناطومی جامعه مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۱۴. ریتزر، جورج، ۱۳۷۴، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، چاپ دوم.

۱۵. صالحی امیری، سید رضا، ۱۳۸۶، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، نشر ققنوس.
۱۶. صالحی، سپیده، ۱۳۸۵، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست در شهر کرج مناطق ۱، ۲، ۶ و ۷، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، مدیریت و علوم اجتماعی، استاد راهنما دکتر رضا فاضل.
۱۷. فرصت، محمد، ۱۳۸۴، ارزشیابی آموزش زیست محیطی در نظام آموزش عالی کشور، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، رشته مدیریت محیط زیست (Ph.D)، استاد راهنما آقای دکتر مجید عباسپور، آقای دکتر سید محمود شریعت.
۱۸. کوزر، لوئیس، ۱۳۷۷، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ هفتم.
۱۹. مارشال، گوردون، ۱۳۸۸، فرهنگ جامعه‌شناسی (آکسفورد)، حمیرا مشیرزاده، نشر میزان، چاپ اول.
۲۰. محسن زاده (و همکاران)، احمد علی، ۱۳۸۸، حقوق محیط زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها)، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۲۱. میلون، کی، ۱۳۸۲، طبیعت مهربان به سوی اقلیم عاطفه، ترجمه محمد هادی رستمی شاهرودی، انتشارات سازمان محیط زیست.
۲۲. همتی، تورج، ۱۳۸۰، بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی در آموزش زیست محیطی و موانع مشارکت مردم در حفاظت از محیط زیست استان ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام.
۲۳. ولایی، عیسی، ۱۳۸۴، الگوهای رفتار با طبیعت (محیط زیست) از دیدگاه قرآن و سنت، پایان نامه دکتری (ph.d)، رشته علوم قرآن و احادیث، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، استاد راهنما دکتر محمد علی لسانی فشارکی.
24. Salehi, S, 2010, Peple and the environment, amazon.
25. Marzso, S. 1980, Toward interdisciplinary environmental education proceeding of the international. Seminar education and environment some IDEAS on the interdisciplinary nature of the environmental education.
26. Havvey, T. 1995, An education 21 program: Orienting Environmental Education towards sustainable development and capacity building for Rio – the environmentalist VOL. 15.